

به نام گشاینده رازها
ز نامش شود سهل ، دشوارها

ادبیات فارسی
پایه هشتم
درس ۳ - حکایت « فوت کوزه گری »

تهیه و تنظیم : شیرین عبابافها
دبیرستان گل های خرد

کوزه گری ماهر و ورزیده، شاگردی داشت که چندین سال نزد او کار کرده و فنون کوزه گری را از او فرا گرفته بود. روزی شاگرد دستمزد بیشتری از استاد درخواست کرد. کوزه گر بر دستمزد او افزود. پس از مدتی، باز شاگرد، سر ناسازگاری گذاشت و گفت: «دیگر فن کوزه گری را به تمامی آموخته‌ام و قصد دارم در کارگاه خود، استادکار شوم.» کوزه گر از او خواست به پاس حقی که برگردن او دارد، چند ماهی بماند و یاری اش کند. شاگرد، بی اعتنا به درخواست استاد، او را رها کرد و کوشید در کارگاه خود برای رقابت با استاد مرغوب‌ترین کوزه‌ها را بسازد. او با دقت شروع به ساختن کوزه کرد اما لعاب هیچ یک از کوزه‌ها زیبا و شفاف از کار در نیامد.

شاگرد، ناگزیر نزد استاد بازگشت. استاد او را واداشت مدتی دیگر نزد او بماند تا اشکال کار را دریابد. سرانجام یک روز استاد گفت: «رمز مرغوب بودن کوزه‌ها در این است که هر کوزه را پیش از آنکه در کوره بگذارم، فوت می‌کنم تا گردد و خاک از روی آن پاک شود. تو همین یک نکته را در نظر نداشتی و اشکال کار تو تنها یک فوت بود؛ فوت کوزه گری!»

فوت کوزه گری، مصطفی رحماندوست؛ با تصرف و تلخیص

پیام و محتوای حکایت :

تأکید بر این که برای کسب مهارت در هر کاری باید اصول وقواعد آن کار را به طور کامل فراگرفت و به کار بست .

ضرب المثل « فوت کوزه گری » اشاره به کسی دارد که همه چیز را برای انجام کاری می داند به جز یک نکته مهم و نهایی .

فوت کوزه‌گری

حکایت

کوزه‌گری ماهر و ورزیده، شاگردی داشت که چندین سال نزد او کار کرده و فنون کوزه‌گری را از او فرا گرفته بود. روزی شاگرد دستمزد بیشتری از استاد درخواست کرد. کوزه‌گر بر دستمزد او افزود. پس از مدتی، باز شاگرد، سرناسازگاری گذاشت و گفت: «دیگر فن کوزه‌گری را به تمامی آموخته‌ام و قصد دارم در کارگاه خود، استادکار شوم.» کوزه‌گر از او خواست به پاس حقی که بر گردن او دارد، چند ماهی بماند و یاری‌اش کند. شاگرد، بی‌اعتنا به درخواست استاد، او را رها کرد و کوشید در کارگاه خود برای رقابت با استاد مرغوب‌ترین کوزه‌ها را بسازد. او با دقت شروع به ساختن کوزه کرد اما لعاب هیچ‌یک از کوزه‌ها زیبا و شفاف از کار درنیامد.

ماهر = کار آزموده ، استاد

ورزیده = با تجربه ، ماهر

فنون = روش ها ، شیوه ها (جمع فن)

دستمزد = اجرت ، مزد کسی

استادکار = ماهر

به پاس حقی که بر گردن او دارم = به احترام حقی

که بر گردن او دارد و برای حق شناسی

بی اعتنا = بی توجه

رقابت = تلاش برای پیشی گرفتن بر یکدیگر

مرغوب ترین = خوب ترین ، با کیفیت ترین

لعاب = روکش مخصوصی که روی سفال و کاشی و

مانند آن می کشند

شفاف = روشن ، براق

ناگزیر = ناچار

شاگرد سرناسازگاری گذاشت = شروع به

مخالفت کرد .

شاگرد، ناکزیر نزد استاد بازگشت. استاد او را واداشت مدتی دیگر نزد او بماند
تا اشکال کار را دریابد. سرانجام یک روز استاد گفت: «رمز مرغوب بودن
کوزه‌ها در این است که هر کوزه را پیش از آنکه در کوره بگذارم، فوت می‌کنم تا
گردد خاک از روی آن پاک شود. تو همین یک نکته را در نظرنداشتی و اشکال کار
تو تنها یک فوت بود؛ فوت کوزه‌گری!»

فوت کوزه‌گری، مصطفی رحماندوست؛ با تصرف و تلخیص



تو همین یک نکته را در نظر نداشتی و اشکال کار
تو تنها یک فوت بود، فوت کوزه‌گری!

معنی: تو فقط به یک نکته کوچک توجه نکردی.
گاهی برای انجام دادن یک کار خوب و
بی نقص، باید به جزئیات آن کار خوب توجه کرد.